

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی

در دوران نخست‌وزیری امینی

فاطمه فرهادی^۱ / میرهادی حسینی^۲

چکیده

علی امینی در دوران زندگی خود وارد عرصه‌های مختلف سیاست شد. وی با توجه به جایگاه سیاسی‌اش موردتوجه آمریکا قرار گرفت و به همین دلیل با حمایت آمریکا به نخست‌وزیری رسید. او در طول صدارت خود اقدامات مهمی انجام داد. اصلاحات ارضی که برنامه‌ای از سوی کندی، رئیس‌جمهور ایالات متحده، بود به وی سپرده شد و همین امر موجب اختلاف‌های بیشتر او با شاه شد، زیرا شاه به دنبال انجام این اصلاحات به نفع خود بود. بنابراین زمانی که امینی سعی می‌کرد تا اصلاحات را به اجرا درآورد، محمدرضا پهلوی در تلاش بود تا در سفر خود به آمریکا، اصلاحات ارضی خود را به نام خود تمام کند. در نتیجه ادامه اصلاحات به دست شاه افتاد و امینی برکنار شد. هدف این مقاله، تحلیل تضادهای سیاسی محمدرضا شاه و علی امینی است. سؤال پژوهش حاضر عبارت است از اینکه چرا محمدرضا پهلوی از حمایت آمریکا از امینی بیمناک بود و سعی کرد تا اصلاحات ارضی به اسم امینی تمام نشود؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، شاه از قدرت زیاد امینی به دلیل ترس از دست دادن سلطنت وحشت داشت و تلاش کرد تا قدرتش حفظ شود. روش گردآوری منابع در این پژوهش مطالعه اسناد و مدارک و مطالعه کتابخانه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: علی امینی، محمدرضا پهلوی، اصلاحات ارضی، آمریکا، انقلاب سفید.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
fatemehfarhadi371@gmail.com

۲. استادیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
Hosseini@khu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ نوع مقاله: ترویجی

**Analysing the political contradictions and conflicts between
Mohammad Reza Pahlavi and Ali Amini
during his prime ministership**

Fatemeh Farhadi^۱/ Mirhadi hosseini^۲

Abstract

Ali Amini entered different fields of politics during his life. Due to his political position, he was noticed by America and because of this, he became the prime minister with the support of America. He took important actions during his chancellorship. Land reform, which was a program from Kennedy, the president of the United States, was entrusted to him, and this caused him to have more troubles with the Shah. Because the king wanted to make these reforms for his own benefit. So, when Amini was trying to implement reforms, Mohammadreza Pahlavi was trying to finish his land reforms in his name during his travel to America. As a result, the continuation of reforms fell into the hands of the Shah and Amini was dismissed. The purpose of this article is to analyze the political conflicts between Mohammad Reza Shah and Ali Amini. The question of the current research is why Mohammad Reza Pahlavi was afraid of the American support for Amini and tried to prevent land reforms in the name of Amini? The findings of the research show that the Shah was afraid of the great power of Amini and fear of losing the monarchy and tried to preserve his power. The method of gathering resources in this research is the use of documents and library resources.

Keywords: Ali Amini, Mohammad Reza Pahlavi, land reforms, America, Prime Minister's White Revolution.

1. Master's degree History of Islamic Iran Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Khwarazmi University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Khwarazmi University, Tehran, Iran. (corresponding author)

مقدمه

اهمیت وجود نخست‌وزیر در دوران پهلوی از جمله مباحثی است که طی دوران این حکومت تأثیر زیادی در کشور داشت و پیامدهای مختلفی برای جامعه ایران به وجود آورد. از زمان روی کار آمدن محمدرضا پهلوی، سیاستمداران زیادی به قدرت رسیدند. علی امینی از جمله اشخاصی است که فراز و فرودهای بسیاری در زندگی سیاسی‌اش رخ داد و در رابطه با اقدامات او و محمدرضا پهلوی اظهارنظرهای زیادی وجود دارد.

در این زمان روابط ایران و آمریکا شکل جدیدی به خود گرفت و آمریکا بیش‌ازپیش در امور کشور دخالت می‌کرد و برای جلوگیری از نفوذ شوروی فشارهای خود را در این برهه زمانی افزایش داد. به‌خصوص دوران نخست‌وزیری علی امینی از مقاطع مهم و حساس تاریخ روابط ایران و آمریکا می‌باشد. در این دوره بستری فراهم شد تا دولت امینی با تکیه بر کمک‌های آمریکا مشکلات داخلی کشور را سامان دهد. محمدرضا پهلوی که در بحران عجیبی گرفتار شده بود، الزاماً او را قبول کرد. اما به دلیل اینکه او از مخالفین بالقوه امینی بود، شروع به کارشکنی در کار دولت کرد که باعث شد تا وی نتواند اصلاحات را به سرانجام برساند، بنابراین پرونده اصلاحات وی بسته شد و اصلاحات به نام خود شاه تمام شد و زمینه برکناری امینی مهیا شد. بسیاری از منابع نشان می‌دهد در ظاهر اختلاف امینی و شاه بر سر بودجه نظامی موجب استعفای وی شد.

پیشینه پژوهش

در رابطه با زندگی علی امینی و دوران سیاسی و اصلاحات او علاوه بر خاطره‌نویسی‌ها، پایان‌نامه و مقالاتی نیز نگاشته شده است. مقالاتی که به این موضوع پرداخته‌اند عبارت‌اند از: مقاله «علی امینی و ریشه‌های شکست اصلاحات» نوشته عبدالحسین آذرنگ که در مجموعه مقالاتی چاپ شده است. مقاله «دولت امینی و اصلاحات پیشنهادی آمریکا» به قلم یوسف متولی حقیقی، که

می‌کوشد زندگی سیاسی علی امینی، روابط نزدیک او با آمریکا و انجام اصلاحات ارضی و در آخر سقوط کابینه امینی را به تصویر بکشد. مقاله «بررسی روابط خارجی ایران با آمریکا در دوره نخست‌وزیری علی امینی» نوشته مجید رسولی، درصدد تبیین شخصیت اجرایی علی امینی، روابط امینی و آمریکایی‌ها قبل از نخست‌وزیری و انتخاب علی امینی به نخست‌وزیری، اقدامات و اصلاحات او و تلاش محمدرضا پهلوی برای برکناری او و عدم حمایت آمریکا برآمده است. از جمله پایان‌نامه‌هایی که درباره علی امینی نوشته شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: پایان‌نامه ای با عنوان «روابط ایران و آمریکا در دوران نخست‌وزیری علی امینی» نویسنده محمدجواد هراتی در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه امام صادق؛ پژوهش دیگری تحت عنوان «صدارت دکتر علی امینی نخست‌وزیر ایران» نویسنده محمدمهدی رجایی از دانشگاه بهشتی در سال ۱۳۷۶؛ پایان‌نامه ای با عنوان «بررسی دولت دکتر امینی و اصلاحات او» نویسنده مهرج عطابخش، در دانشگاه تبریز در سال ۱۳۹۰ نوشته شد.

این مقالات و پایان‌نامه‌ها درباره علی امینی کار شده است. اما آنچه در مقاله حاضر دارای اهمیت و وجه تمایز آن محسوب می‌شود، تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی است. هرچند که شاه صاحب قدرت بود اما ترس از وجود نخست‌وزیری چون قوام‌السلطنه و مصدق را داشت. از این رو، در دوران نخست‌وزیری امینی با احتیاط بیشتری پیش می‌رفت و تلاش می‌کرد تا قدرت نخست‌وزیر را کنترل کند، زیرا می‌ترسید موقعیتش دچار خطر شود. بنابراین، از عللِ روشِ متفاوتِ این پژوهش سعی در نشان‌دادن اقدامات این دو شخص برای به‌دست‌گرفتن قدرت است.

ورود علی امینی به عرصه‌های سیاسی در دوره پهلوی اول و دوم

علی امینی، فرزند فخرالدوله دختر مظفرالدین شاه و محسن خان امین‌الملک، در سال ۱۲۸۴ در تهران متولد شد. وی پس از گذراندن دوران دبستان و متوسطه در سال ۱۳۰۵ به پاریس رفت و

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی در دوران نخست‌وزیری امینی..... ۲۱۵

در رشته حقوق و اقتصاد تحصیلات خود را ادامه داد (علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ۱۳۷۹: ۱۵). (علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۵/۱).

پس از اخذ مدرک لیسانس حقوق از دانشگاه گرونوبل، در سال ۱۳۱۰ دکتری اقتصاد را از دانشگاه پاریس دریافت کرد (فردوست، ۱۳۸۶: ۲۷۴/۲) و به ایران بازگشت و در پست‌های مهمی مشغول به کار شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۴۲۹). در همان سال در وزارت دادگستری پیشنهاد کار دریافت کرد و استخدام شد. دوران قضاوت وی دو سه سالی بیشتر طول نکشید که (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۰؛ عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۲۱) او موردتوجه داور وزیر وقت دادگستری قرار گرفت. هنگامی که داور به‌جای تقی زاده (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۲۶) در سال ۱۳۱۴ وزیر دارائی شد، امینی را نیز با خود به وزارت دارائی برد و او پس از شش ماه معاون اداره انحصار تریاک شد. در این سال‌ها، در سال ۱۳۱۵ در وزارت دارائی به مشاغلی چون ریاست کل گمرک منصوب شد (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۷۵-۲۷۴). امینی مدتی در این سمت بود تا مدیرکل وزارت دارایی شد و در سال ۱۳۲۰ به معاونت وزارت دارائی منصوب شد (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱/ ۲۱۸). در سال ۱۳۲۱ که قوام‌السلطنه بار دیگر وارد صحنه سیاسی شد و به مقام نخست‌وزیری رسید، علی امینی داماد برادر خود وثوق‌الدوله را به معاونت نخست‌وزیر انتخاب کرد و پس از چندی با سمت رئیس هیئت نمایندگی اقتصادی ایران به آمریکا فرستاد (علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱۹/۱). وی از این زمان موردتوجه خاص دیپلماسی آمریکا قرار گرفت و به‌عنوان یک مهره وابسته به سفارت آمریکا شهرت یافت (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۷۵).

در سال ۱۳۲۳ امینی عضو هیئت‌مدیره‌ی سازمان اقتصادی در دولت مرتضی‌قلی بیات بود (عاقلی، ۱۳۹۷: ۵۶۳) و در سال ۱۳۲۴ که قوام‌السلطنه مجدداً عهده‌دار ریاست وزرای شد، برای سامان بخشیدن به وضع اقتصادی کشور، شورای عالی اقتصاد تشکیل داد و امینی دبیر کل این شورا شد. از طرفی دیگر قوام‌السلطنه حزب دموکرات ایران را در این دوره تشکیل داد و امینی از افراد اثرگذار در این حزب بود. علی امینی در سال ۱۳۲۵ به ریاست هیئت‌مدیره بانک صنعتی و معدنی ایران انتخاب شد. وی در انتخابات دوره پانزدهم کاندیدای نمایندگی مجلس شد و به مجلس

رفت و در آنجا زمینه تشکیل فراکسیون دموکرات ایران را ایجاد کرد و خود نایب و اداره کننده فراکسیون شد (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۲۲).

در سال ۱۳۲۹، علی امینی پس از پایان نمایندگی مجلس در دوران نخست‌وزیری منصورالملک وزیر اقتصاد ملی شد، اما به دلیل اختلافات خود با نخست‌وزیر در ۲۲ خرداد ۱۳۲۹ استعفا داد. در دوران نخست‌وزیری حاجعلی رزم‌آرا در ۵ تیر ۱۳۲۹، امینی که در پاریس بود، از سوی مرتضی آزموده جهت پیگیری امورات مواد مخدره به نیویورک می‌رود. پس از انجام این مأموریت، برای پست ریاست سازمان برنامه انتخاب شد، ولی به جهت مشکلاتی که با رزم‌آرا پیدا کرد، ترجیح داد با پسرش ایرج به ایتالیا برود و این سفر را نسبت به تصدی این پست واجب‌تر می‌دانست (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۷۰-۶۹-۶۸-۶۵).

در سال ۱۳۳۰ مجدداً در کابینه مصدق وزیر اقتصاد شد، ولی به دلیل عدم همفکری با رهبر نهضت ملی و جبهه ملی، مصدق او را برکنار کرد و یا گفته می‌شود از کار کناره‌گیری کرد (نجمی، ۱۳۷۰: ۲ / ۱۵۴۴). او در دوران وزارت سپهد زاهدی وزارت دارائی را بر عهده گرفت و بحث مذاکرات مربوط به نفت و انعقاد قراردادهای نفتی به انجام رساند (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۱۹). تا استعفای زاهدی از مقام نخست‌وزیری در سال ۱۳۳۴ پست وزارت دارایی عهده‌دار بود و در کابینه حسین اعلاء نیز به همین منصب معرفی شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۲۸).

پس از آن حسین اعلاء در اول خرداد ماه سال ۱۳۳۴ در ترمیم کابینه خود امینی را به وزارت دادگستری منصوب کرد (اسناد ساواک، شماره سند: ۱۵۵۹). (مرکز بررسی اسناد تاریخی، سند شماره: ۱۵۵۹). امینی حدود هفت ماه وزیر دادگستری بود تا اینکه در سال ۱۳۳۵ به سمت سفیر کبیر ایران در آمریکا منصوب شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۲۸).

نقش علی امینی در قرارداد امینی - پیچ

در کابینه فضل‌الله زاهدی، علی امینی به مقام وزیر دارایی تعیین شد. وی عهده‌دار مهم‌ترین و حساس‌ترین پست کابینه زاهدی شد، برای اینکه وزیر دارایی می‌بایست مسئولیت مذاکرات نفت

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی در دوران نخست‌وزیری امینی..... ۲۱۷

را که در اواخر وزارت مصدق به کلی قطع شده بود از سر بگیرد و مشکل نفت را به هر صورتی شده حل کند. امینی این کار را، آن‌طور که باب طبع آمریکایی‌ها بود، به انجام رساند و کنسرسیوم جدید نفت ایران با اختصاص چهل درصد سهام به کمپانی‌های آمریکا تشکیل گردید (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۲۷).

امینی این قرارداد مهم نفت را پس از حدود یک سال بحث و مذاکره سرانجام در تاریخ ۲۷ شهریور ۱۳۳۳ با هوارد پیچ معاون شرکت نفت استاندارد نیوجرسی و رئیس شش‌گانه کنسرسیوم امضا کرد که منجر به عقد قرارداد نفتی «امینی- پیچ» شد و پس‌از آن در مجلس به تصویب رساند و در برابر انتقادات مردم و نماینده‌های مخالف در مجلس گفت «این قرارداد ایدئال نیست، ولی در شرایط و اوضاع فعلی بهتر از این ممکن نبود» (بهزادی، ۱۳۷۵: ۱/ ۸۳ - ۸۲؛ ذوقی، ۱۳۹۳: ۲۹۳).

همچنین در ادامه برای دفاع از این لایحه، به‌طور ضمنی به تحمیلی بودن این قرارداد اشاره کرد و گفت «ما مدعی نیستیم که راه‌حل ایدئال مشکل نفت را پیدا کرده‌ایم و قرارداد فروشی که بسته‌ایم، همان چیزی است که ملت ایران آرزو می‌کند...» (نجاتی، ۱۳۷۸: ۳۴۵-۳۴۴). اما به دلیل شرایط کشور راهکار بهتری جز پذیرش آن وجود نداشت (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۴۷). در کل، این قرارداد در زندگی سیاسی علی امینی، یکی از بدترین قراردادهایی است که میزان ارتباط امینی با غرب را روشن می‌سازد. احتمالاً اگر این بدنامی در کارنامه او وجود نداشت، بهتر می‌توانست در دهه ۱۳۴۰، از برنامه‌های خود دفاع کند (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۷۶).

سفارت امینی در آمریکا و عصبانیت شاه نسبت به او

زمانی که امینی معاون نخست‌وزیر بود در سال ۱۳۲۱ از سوی قوام در رأس یک هیئت اقتصادی به آمریکا فرستاده شد. این سفر اولین تماس مستقیم علی امینی با آمریکایی‌ها بود (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۲۷).

وی توانست در این سفر ارتباط گسترده‌ای با محافل آمریکا برقرار کند و حمایت آن‌ها را به دست آورد (رجایی، ۱۳۷۶: ۱۴۴). همین رابطه موجب شد تا وی به‌عنوان یک مهره وابسته به آمریکا شهرت پیدا کند و در سال ۱۳۲۵ که آمریکا در چهارچوب «دکترین ترومن»، وام ۲۵۰ میلیون دلاری خود را به ایران پرداخت کرد تا بر اساس آن سازمان برنامه هفت‌ساله عمرانی تشکیل شود، امینی را معتمدترین فرد برای پیش بردن این پروژه تعیین کند. بدین ترتیب، سازمان برنامه به ریاست عبدالرضا پهلوی و مدیریت مستقیم علی امینی تأسیس شد (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/۲۷۵).

امینی هرچند توانست در مذاکرات نفت در محافل بین‌المللی اعتباری به دست آورد و موقعیت خود را مستحکم کند، اما این شرایط موردپسند محمدرضا پهلوی نبود. زیرا موقعیت خاصی که در سیاست‌های آمریکا پیدا کرد، موجب شد تا شاه از وجود او احساس خطر کند و او را یک قوام‌السلطنه تازه برای قدرت خود ببیند. به همین دلیل او را از صحنه سیاست داخلی ایران بیرون راند و در سال ۱۳۳۴ به‌عنوان سفیر ایران در آمریکا به واشنگتن فرستاد. با وجود اینکه شاه امینی را مدتی از صحنه داخلی ایران دور کرد اما این شرایط به سود امینی تمام شد و وی در این مأموریت توانست نظر مقامات آمریکایی را نسبت به خود جلب کند و زمینه را برای تثبیت موقعیت سیاسی خود مهیا نمود.

یکی از اتفاق‌های مهم دیگر در این دوران، طرح دوستی امینی با جان اف. کندی سناتور جوان ایالت ماساچوست آمریکا بود که شانس زیادی برای انتخاب شدن به مقام ریاست‌جمهوری داشت و این وضعیت درنهایت به زیان شاه به پایان رسید. اما یکی از بزرگ‌ترین اشتباهات سیاسی امینی در دوران سفارت خود در آمریکا که به ضرر او تمام شد، اظهارنظرش درباره مسئله نفت بود. وی برای اولین بار تزی را به این عنوان مطرح کرد که «نفت یک ثروت طبیعی و زیرزمینی و متعلق به همه جهان است و تمام مردم جهان باید درآمد حاصله از آن سهم شوند! این تزی که به‌هیچ‌وجه با منافع ملی ایران سازگار نبود، و معلوم نشد که انگیزه واقعی امینی در ارائه آن چه بوده است»، از این رو شاه پس از شنیدن نظر امینی، به‌شدت از وی عصبانی شد و وی

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی در دوران نخست‌وزیری امینی..... ۲۱۹

را در سال ۱۳۳۷ و پیش‌ازین که دوره مأموریت چهارساله‌اش در آمریکا تمام شود به تهران فراخواند (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۰-۴۲۸).

از جمله شایعاتی دیگری که درباره علت احضار او به تهران منتشر شد نقش احتمالی وی در طرح یک توطئه کودتا با پشتیبانی آمریکایی‌ها بود. در اسفند ۱۳۳۶ پرده از توطئه کودتایی برداشته شد که در رأس آن رئیس اداره دوم ارتش ایران سرلشکر ولی‌الله قرنی قرار داشت. در این طرح جایگاه خاص امینی افشا شد و برای محمدرضا پهلوی آشکار شد که واشنگتن امینی را مهره‌ای هم‌سطح وی می‌داند. این افشاگری منشأ کینه شاه نسبت به امینی شد. شاه خشمگین و آزرده در مصاحبه‌ای گفت: «عده‌ای خائن از تاریکی شب استفاده کرده نقشه خائنانه‌ای در سر دارند» (فردوست، ۱۳۸۶: ۲/ ۲۹۰).

امینی چندی در اروپا وقت‌گذرانید (عاقلی، ۱۳۹۷: ۸۹۹) و پس از مراجعت به تهران مدتی مغضوب و خانه‌نشین بود (طلوعی، ۱۳۷۶: ۴۲۸). اما هنوز امید داشت که بار دیگر وارد صحنه سیاست ایران می‌شود (هراتی، ۱۳۸۲: ۵۹). از این‌رو، وی دست از فعالیت برداشت و در سال ۱۳۳۹ هم‌زمان با انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا که به پیروزی جان اف. کندی انجامید، در فعالیت‌های انتخاباتی شرکت کرد و با پشتیبانی کندی فعالیت خود را در ایران گسترده‌تر کرد و کاندیدای نخست‌وزیری شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۰-۴۲۹).

دوران نخست‌وزیری علی امینی و حمایت آمریکا از او

علی امینی از جمله نیروهای مؤثر تصمیم‌گیرنده در تحولات کشور بود (آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۸۱) و با داشتن تحصیلات عالی و برخورداری از پست‌های حساس در دوران رضاشاه و محمدرضا پهلوی، از جمله افرادی بود که سیاست بین‌المللی آمریکا آن را می‌طلبید (رجایی، ۱۳۷۶: ۱۴۶). از آن‌طرف آمریکایی‌ها حمایت بی‌چون‌وچرای خود را از وی نشان دادند و برای هرگونه همکاری با دولت‌ش اعلام آمادگی کردند (آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۸۱). از این‌رو می‌توان گفت انتخاب امینی خواسته و تمایل شاه نبود، او برگزیده حزب دموکرات آمریکا بود و با فشارهای سیاسی و

اقتصادی جان اف. کندی در فروردین ماه سال ۱۳۴۰ جای شریف امامی را گرفت و به قدرت رسید (کدی، ۱۳۶۹: ۲۳۳؛ آموزگار، ۱۳۷۶: ۴۹۰).

درباره روابط امینی با آمریکایی‌ها و شرایطی که به انتخاب او به مقام نخست‌وزیری انجامید. «باری رویین» محقق معروف آمریکایی چنین می‌نویسند:

«در سال ۱۹۶۰ که سال انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود، برای نخستین بار پس از سقوط مصدق، ایران دچار یک سلسله تشنجات سیاسی شد و در مطبوعات آمریکا مطالب انتقادآمیزی درباره شیوه غیر دموکراتیک حکومت شاه در ایران انتشار یافت. با پیروزی کندی در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، شاه هم ناچار روش خود را تغییر داد و برخلاف میل باطنی خود و برای خروج از بن‌بستی که در آن گرفتار شده بود به نخست‌وزیری امینی تن در داد» (طلوعی، ۱۳۷۶: ۴۲۹).

بنابراین شاه، امینی را به سمت نخست‌وزیری منصوب کرد و از وی خواست هیئت‌وزیران را تعیین کند و نتیجه را اعلام کند (اسناد ساواک، شماره سند: ۱۱۵۰). (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۱۱۵۰). از این رو، شاه بارها به این موضوع اشاره کرد که در سال ۱۳۴۰ به‌رغم میل باطنی خود و تحت فشار آمریکایی‌ها امینی را به نخست‌وزیری برگزیده است و در تعیین علی امینی به مقام نخست‌وزیری، در واقع بین بد و بدتر «بد» را انتخاب کرد؛ زیرا می‌ترسید که آمریکایی‌ها در صورت خودداری وی از قبول شرایط امینی به یک کودتا نظامی علیه او دست بزنند (طلوعی، ۱۳۷۲: ۷۲۰-۷۱۹).

امینی شرط اصلی قبول نخست‌وزیری را مبتنی بر این فرض دانست که «من قصد خدمت به شاه کشورم را دارم، زیرا معتقدم که وجود شاه برای این مملکت لازم است. اعلیحضرت هم باید بگذارد خواسته‌هایش را جامه عمل بپوشانم، در کار دولت مستقیماً مداخله نکند و به من اعتماد داشته باشد» (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۷۴-۱۷۳). او درصدد بود اوضاع آشفته مالی کشور و بحران اقتصادی و فساد را که در هیئت حاکمه ریشه دوانده است برطرف سازد (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۰۰).

بنابراین، وی خواستار اختیارات کاملی برای بهبود وضعیت نابسامان مالی کشور و از بین بردن بحران اقتصادی و فساد موجود در دولت شد (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۰۰). در نتیجه پیش‌شرط امینی برای پذیرش این مقام، عدم‌مداخله شاه در امور و انحلال شورای ملی و سنا بود. از طرفی به او اختیار موقت اداره کشور را از طریق صدور حکم و بدون موانع قانون‌گذاری اعطا نماید. شاه که می‌دانست نفس امینی از جای دیگری گرم شده و در صورت خودداری از قبول شرایط او با مخالفت آمریکایی‌ها روبه‌رو خواهد شد، تمام شرایط امینی را پذیرفت و با درخواست او موافقت کرد. امینی در طی دوره وزارت خود کارهای مهمی انجام داد و در این راه قاطعانه عمل کرد؛ وی سانسور مطبوعات را کاهش داد، مقام‌های مهم وزارتی را به رهبران جبهه ملی واگذار کرد، برنامه مبارزه با فساد را اجرا کرد که باعث شد بسیاری از افراد سرشناس و نخبگان حاکم دستگیر و محاکمه شوند، اعتصاب معلمان را خاتمه بخشید و سرانجام برنامه تقسیم اراضی را به تصویب رساند (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۰-۹۹؛ طلوعی، ۱۳۷۲: ۷۱۹) و قرار بود برنامه‌های دولت خود را در دوازده موضوع انجام دهد (نجمی، ۱۳۷۰: ۱۵۴۷). در مجموع دوران ۱/۵ ساله صدارت امینی از پرهیاهوترین مقاطع تاریخ ایران است (علی امینی بر روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۹).

شروع اصلاحات ارضی و واکنش محمدرضا پهلوی

بحث اصلاحات ارضی در دوران پهلوی دوم موضوع تازه‌ای نبود و به دوره اقبال و حتی اواخر دهه بیست شمسی و بعد از جنگ جهانی دوم بازمی‌گشت. در آن دوران محمدرضا شاه بسیاری از املاک خود را که البته رضاشاه به‌زور از مردم گرفته بود تقسیم کرد و اراضی را به صاحبان اصلی آن بازگرداند. وی با انجام این کار مورد تحسین آمریکایی‌ها قرار گرفت. در دوران وزارت اقبال نیز اقداماتی در راستای اصلاحات موردنظر آمریکایی‌ها انجام شد و علم نیز از این سیاست پشتیبانی می‌کرد. اما این برنامه در سال ۱۳۴۱ چهره عملی‌تری به خود گرفت (آبادیان، ۱۳۸۷: ۲۲۴). در ۲۴ آبان ۱۳۴۰ محمدرضا شاه، فرمانی شش ماده‌ای خطاب به

نخست‌وزیر صادر کرد که در آن مواد برنامه جدید اصلاحات تشریح شده بود و دولت امینی اجرای آن را بر عهده می‌گرفت (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۸۱).

حکومت امینی، گردهمایی از اصلاحات مهم بود که اصلاحات ارضی محور اصلی آن به حساب می‌آمد (میلانی، ۱۳۸۸: ۹۹). امینی معتقد بود «که این برنامه را در موقع مبارزات انتخاباتی با علم و اقبال مطرح کرد و حتی جزوهای را منتشر کرده است و برنامه ایجاد خرده‌مالک را مطرح کرده بود و تلاش داشت مقدار خرده‌مالک را زیاد بکند. وی اعتقاد داشت که واقعاً مزخرف می‌گویند که برنامه اصلاحات ارضی آمریکایی‌ها بوده است. امینی می‌گوید یکی از آمریکایی‌ها به من گفت که آقا، این اصلاحات ارضی خیلی با برنامه کندی تطبیق می‌کرد. گفتم خیلی خوب، اگر برنامه مملکت تطبیق بکند این دلیل می‌شود که کندی گفته که امینی به شرط این بیاید؟ هیچ همچنین چیزی ممکن نیست. امینی می‌گوید که اینکه گفته می‌شود آمریکایی‌ها تحمیل می‌کند اما ما دعوت می‌کنیم و این دلیل نمی‌شود که به ما تحمیل می‌کنند. آن‌ها می‌آورند و من باید بگویم نه و آنها هم می‌گویند چرا؟ به این دلیل که ما مستعمره نیستیم و این یک معامله بود که قبل از آمدن من هم بود» (لاجوردی، ۱۳۸۳: ۱۱۶-۱۱۵-۱۱۴).

در مجموع می‌توان گفت این برنامه اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین کشاورزان از مهم‌ترین برنامه رفورم اجتماعی دولت امینی بود (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۸۲). امینی این اصلاحات را اساس سیاست‌های دولت قرار داد و شاه نیز این اصلاحات را تأیید کرد (آبادیان، ۱۳۸۷: ۲۲۴) و درباره اصل اصلاحات ارضی با امینی اختلاف‌نظری نداشت، اما علی‌امینی اصلاحات ارضی را نقطه شروع تغییرات و اصلاحات اساسی در زمینه‌های دیگر و مبارزه با فساد اداری می‌دانست که شاه با آن موافق نبود و مسئله دیگر این بود که شاه ارتباط نزدیک امینی با آمریکا را یک خطر جدی برای قدرت خود احساس می‌کرد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۳۱-۴۳۰).

در این برهه زمانی دسیسه‌ها برضد دولت امینی در جریان بود و برای اینکه اصلاحات به نتیجه نرسد گروه‌هایی باهم متحد شدند و دولت وی را موردحمله قرار می‌دادند (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۱۰). نه ماه از دولت امینی گذشته بود که بسیاری از مطبوعات ایرانی در مورد آینده کابینه مطالبی را

با وضوح بیشتر بیان می‌کردند و بسیاری از روزنامه‌ها از ضعف و ادامه بقای دولت امینی می‌نوشتند و معتقد بودند که کابینه امینی در حال سقوط است و دولت مورد اعتماد شاه روی کار می‌آید. بنابراین وی برای جلوگیری از مخالفت‌ها لایحه اصلاحات ارضی را در دی ماه ۱۳۴۰، برخلاف قانون برای تصویب شاه به نزد وی فرستاد. اما مخالفت‌ها همچنان ادامه داشت به طوری که بهنیا، وزیر دارائی کابینه امینی، در اعتراض به این لایحه از سمت خود استعفا داد، در مجموع این مخالفت‌ها ادامه داشت (آبادیان، ۱۳۸۷: ۲۲۲ - ۲۲۱ - ۲۲۰).

از همین رو، دولت امینی نتوانست با مخالفت‌ها و فشارهای خشونت‌آمیز، به قول‌های خود درباره اصلاحات و مبارزه با ارتش و فساد عمل کند و پشتیبانی و حمایت امپریالیست‌های آمریکا نیز به این امر کمکی نکرد و وی با سیاستی که در پیش گرفته بود نتوانست کشور را از بحران‌های سیاسی و اقتصادی نجات بدهد (ایوانف، ۱۳۵۶: ۲۱۸-۲۱۷).

سفر محمدرضا پهلوی به آمریکا

فشار بی‌نهایت قدرت‌های داخلی، خزانه خالی و عدم جذب کمک خارجی، اختلاف و سستی اعضای کابینه موجب شد که امینی نتواند موفق عمل نماید و شاه طرح برکناری او را بررسی کند (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۳۴/۱). از طرفی، عواملی چون محبوبیت زیاد ارسنجان و امینی و اعتراضات بیش‌ازحد زمین‌داران و علما به برنامه اصلاحات ارضی، زنگ‌های خطر را برای شاه به صدا درآورد. در این وضعیت شاه میان نیروهای طرفدار و مخالف اصلاحات قرار گرفت و ناچار به انتخاب یکی از این دو گزینه بود: ترس از خسارت‌های ممکن با کنار زدن امینی، یا تشکیل ائتلافی جدید و تداوم اصلاحات (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

شاه که از ابتدا با نخست‌وزیری امینی موافق نبود و به دلیل فشارهای آمریکا مجبور شد او را انتخاب کند و از سوی دیگر میل نداشت اصلاحات و رفورم موردنظر واشنگتن به وسیله دولت او انجام شود (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۴)، بنابراین تصمیم به برکناری امینی و سفر به آمریکا گرفت. زیرا می‌دانست که اگر نتواند حمایت آمریکا را به دست آورد، امینی قدرتمندتر می‌شود. محمدرضا

شاه پس از تجربه‌ای که با مصدق داشت حاضر نبود اجازه بدهد یک وزیر دیگر قدرت کامل به دست بگیرد و در واشنگتن طرفدارانی پیدا کند. علاوه بر آن شاه معتقد بود که اصلاحات امینی در مجموع بیش از اندازه تند و افراطی است (شوکران، ۱۳۸۱: ۱۰۲).

از طرفی در این دوره دولت با مشکلات اقتصادی و اجتماعی زیادی روبرو بود. مسائلی از جمله شدت یافتن ناآرامی‌ها، ادامه تعطیلی مجلس، توطئه محافظه‌کاران که همچنان با برنامه اصلاحات ارضی مخالفت می‌کردند. خصومت اتحاد جماهیر شوروی و تبلیغات حزب زیرزمینی توده، عواملی بودند که موجبات ناامیدی واشنگتن را از ادامه زمامداری نخست‌وزیر اصلاح‌طلب فراهم ساختند. شاه نیز از این فرصت استفاده کرد و راه را برای رسیدن به مقاصد خود هموار ساخت (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۳) و در کل می‌خواست قدرت در اختیار خودش باشد، زیرا می‌ترسید با وجود امینی موقعیتش دچار خطر شود. از این رو تمام تلاش خود را به کار برد تا در سفر به آمریکا، حمایت آن‌ها را به دست آورد و قبول کرد که آماده انجام تمام اصلاحات مورد نظر ایالات متحده در اداره مملکت است و رفورم مورد نظر واشنگتن را اجرا خواهد کرد. بنابراین طرح انقلاب سفید معروف در همین مسافرت ریخته شد و کوشید تا آمریکایی‌ها را قانع کند تا امینی را برکنار کنند (مدنی، ۱۳۸۶: ۱ / ۵۹۹؛ میلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱؛ نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۴).

آمریکایی‌ها نیز متوجه شدند که امینی دیگر قادر به تثبیت اقتدار سیاسی در ایران نیست زیرا هنوز نتوانسته بود حمایت مردم را به دست آورد (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). نتیجتاً شاه توانست در این سفر از کندی قول حمایت بگیرد. بنابراین زمانی که شاه به ایران بازگشت از زحمات علی امینی قدردانی کرد و استعفای او و یا به قولی برکناری او را در تاریخ ۲۷ تیر ۱۳۴۱ پذیرفت (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۶۰۸۰).

ظاهراً امینی به علت اختلاف نظر بر سر کاهش بودجه ارتش و نیروهای ارتش، با شاه درگیر بود و نتوانست پشتیبانی آمریکا را به دست آورد. بدین سبب، پس از چهارده ماه زمامداری پرسروصدا، کناره‌گیری کرد و تحت نظر ساواک قرار گرفت (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۴). شاه هنگام برکناری امینی طرح‌های خود را برای «رفورم از بالا» که اصلاحات ارضی هم بخشی از آن بود

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی در دوران نخست‌وزیری امینی..... ۲۲۵

آماده کرده بود. این طرح‌ها، به انقلاب سفید معروف شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/ ۴۳۶). پس‌ازاین، شاه فکر اصلاحات را متعلق به خودش می‌دانست و آنچه را به «انقلاب سفید» مشهور شد آغاز کرد (شوکران، ۱۳۸۱: ۱۰۳).

درمجموع امینی برخلاف آنچه در مورد وابستگی‌اش به آمریکا تبلیغ می‌شد و بعضاً می‌شود، آشکارا سقوط دولتش را تقصیر آمریکاییان دانست (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۱۷) و شکست و سقوط خود را به عدم‌حمایت واشنگتن و خودداری آمریکا از پرداخت کمک‌های مالی و اقتصادی لازم به حکومت خود نسبت داد؛ ولی واقعیت امر این بود که شاه نسبت به او نظر مساعدی نداشت و واشنگتن نتوانست از وی در مقابل شاه حمایت کند (طلوعی، ۱۳۷۲: ۷۲۲).

درنتیجه برکناری امینی بر سر مسائل بودجه به‌تنهایی نمی‌تواند حکومت او را از پای درآورد بلکه کنار رفتن او نتیجه سازش آمریکا و شاه بود (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۲۱).

علل عدم موفقیت امینی در دوران نخست‌وزیری

۱- اول از همه بخشی از مشکل از ضعف پایگاه حمایت مردمی ناشی می‌شد؛ (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۱) وی نتوانسته بود پایگاه محکمی در میان مردم، بخصوص روشنفکران ایجاد کند (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۳). بنابراین مردم کوچه و بازار و حتی روحانی‌ها و بازاری‌ها از او قطع امید کرده بودند (بهزادی، ۱۳۷۵: ۹۷/۱).

۲- برنامه اصلاحات ارضی او، با همه شتاب دکتر ارسنجانی مراحل اول اجرای خود را طی می‌کرد.

برنامه اصلاحات ارضی در دوران امینی، با کمک ارسنجانی به‌سرعت مراحل اول خود را می‌گذراند و جز معدودی از کشاورزان که صاحب زمین شده بودند، موردحمایت طبقات متوسط جامعه شهری قرار نگرفت (نجاتی، ۱۳۸۶: ۱۹۳).

۳- حسن ارسنجانی که امینی او را موردحمایت خود قرار داد و به وزارت منصوب کرده بود، پس از اینکه به شهرت رسید توجهی به امینی نمی کرد و خودش با شاه یک حساب شخصی باز کرده بود (علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۰).

۴- با وجود اینکه جبهه ملی دوم بی طرف بود، اما اعلامیه با تیترو مردم شرافتمند تهران که در مورد سقوط دولت آقای امینی به تاریخ ۳۱ تیرماه چاپ و بخش کرد (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۶۱۱۸).

جبهه ملی برای اینکه دیگر از امینی حمایت نکند به دنبال فرصت بود، زیرا او از کابینه مصدق کناره گیری کرده بود و قرارداد ۱۹۵۴ را با شرکت های نفتی غربی به امضا رسانده بود. همچنین وی رقیبی بالقوه برای کادر رهبری جبهه ملی محسوب می شد. بنابراین به دنبال استعفای امینی و برگزاری انتخاب آزاد بود. البته هیچ چیز نمی توانست خوشایندتر از این قضیه برای شاه باشد؛ چرا که شاه همواره از تشکیل ائتلاف میان امینی و جبهه ملی دوم می ترسید (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۰۲-۱۰۱).

۵- شوروی آشکارا مشغول نفوذ کردن در ملت ایران بود و ممکن بود به زودی بتواند زمینه های سقوط دولت و روی کار آمدن یک دولت دست نشانده را فراهم آورد. بنابراین، بهتر بود دولت حاضر توسط یک گروه طرفدار غرب تغییر یابد تا اینکه منتظر شوروی ها باشد که از ناآرامی کنونی و نارضایتی عمومی سوءاستفاده کنند (امینی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

۶- دسیسه ها و کارشکنی هایی که از سوی مخالفان به وجود آمد باعث شد که کندی از شدت وخامت اوضاع در ایران بترسد و به این نتیجه برسد که در ایران تنها سلطنت مطلقه شاه است که می تواند مانع سقوط کشور به دام «کمونیسم» شود (فردوست، ۱۳۸۶: ۳۱۲/۲). بنابراین از امینی مأیوس شده بود و او را کنار گذاشت (بهزادی، ۱۳۷۵: ۱/ ۹۷).

۷- محمدرضا شاه از وجود امینی ناراضی بود و از مخالفان سرسخت او بود و به او اعتماد نداشت و به طرح تحولات سیاسی و اصلاحات اقتصادی او مشکوک بود (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۱۹). بنابراین پس از بازگشت از آمریکا هسته اصلی مخالفان امینی را به وجود آورد. هسته اصلی این

مخالفین همان‌هایی بودند که بازداشت شده بودند و اتهام سوءاستفاده و ولخرجی بیت‌المال داشتند. شاه برای اینها پیغام فرستاد که حملات خود را علیه امینی افزایش دهند. از این‌رو زمینه برکناری او را فراهم کرد (عاقلی، ۱۳۹۷: ۹۲۰-۹۱۹). با توجه به این مواردی که گفته شد محمدرضا پهلوی به راحتی می‌توانست او را زمین بزند.

بی‌مهری شاه نسبت به علی امینی و تلاش‌های امینی برای بازگشت به قدرت

امینی در ۱۱ تیر ۱۳۴۱ به جمال‌گنجی (وزیر راه کابینه خود) که به ملاقات او رفته بود، گفت دوستان و رفقا را به دور خود جمع کند و به آنها وعده بدهد که نگران نباشند، دوباره بر سرکار خواهد آمد. وی گفته بود اکنون به علت بیماری احتیاج به مدتی استراحت و معالجه دارد و پس از بهبودی در فعالیت‌های سیاسی و همچنین در فعالیت‌های انتخابی شرکت می‌کند و باید گروهی مناسب برای این کار آماده کند (مرکز اسناد تاریخی، تاریخ گزارش، ۴۱/۱۱/۲۱).

علی مینویی، بازرس ناحیه تهران راه‌آهن، نیز بیان می‌کند که آمریکایی‌ها و انگلیسی‌ها مشتاق هستند تا علی امینی را مجدداً نخست‌وزیر کنند، چون وی شخص قدرتمندی است و نسبتاً در بازار نیز حامیانی دارد. وی اشاره کرد که فقط شاه می‌ترسد که امینی نخست‌وزیر شود (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۷۲۹۱). طبق این اظهارات هرچند امینی مایل به بازگشت به عرصه سیاست بود و شایعاتی نیز وجود داشت اما از تاریخ ۲۶ تیرماه ۱۳۴۱ تا آبان ۱۳۵۷ به مدت ۱۶ سال دکتر امینی بیکار بود (علی امینی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۹: ۴۲/۱) و از سیاست کنار گذاشته شد و شاه به هیچ‌وجه به او اعتماد نداشت. در این مدت امینی چند بار اشتیاق خود را برای نخست‌وزیر شدن نشان داد و تلاش زیادی کرد تا دوباره به شاه نزدیک شود، ولی شاه به او اهمیت نمی‌داد (بهزادی، ۱۳۷۵: ۹۹/۱؛ طلوعی، ۱۳۷۶: ۴۳۷/۱).

امینی در سال ۱۳۵۴ به شاه پیغام داد که کشور دچار شکاف جدی شده است، اگر اعلیحضرت می‌خواهند کشور دچار تحولات شدیدی نشود باید سریعاً دست به اقدامات سختی بزنند. از این‌رو امینی پیشنهادها را زیر را به اطلاع او رساند:

۱- انحلال حزب رستاخیز

۲- انحلال مجلس شورا و سنا

۳- توقیف دست کم ۱۵۰۰ نفر از مقامات بالای سیاسی و اقتصادی که در نظر مردم به فساد و سوءاستفاده‌های کلان مادی مشهور هستند.

۴- فرستادن عده زیادی از افراد خانواده سلطنتی (به جز طبقه اول) به خارج از کشور.

۵- انتخاب یک نخست‌وزیر مورداحترام و اعتماد مردم و دادن اختیارات کامل به او.

امینی می‌گوید که عکس‌العمل اعلیحضرت به این پیشنهادها، که به خاطر مصالح کشور و منافع خودشان داده بودم، این بود که (بهزادی، ۱۳۷۸: ۳ / ۱۴۰ - ۱۳۹) مرا به کارشکنی در امر سلطنت متهم کرد و به وی صریحاً گفته بود: «چه کسی از قاجاریه را در نظر داری به سلطنت بنشانی؟» (عاقلی، ۱۳۸۰: ۱ / ۲۲۲).

بعد از این نظراتی که امینی داد، شاه از طریق ساواک و وزارت اطلاعات به مطبوعات دستور داد علیه امینی مقالات تند چاپ بکنند و موضوع اصلی حملات مطبوعات وقت به امینی ارتباط او با بیگانگان و اشغال کرسی صدارت با فشار خارجی بود. امینی همچنین متهم شد که با اعلام ورشکستگی اقتصادی کشور در آغاز نخست‌وزیری خود مشکلات بزرگی به وجود آورد و با سیاست‌های غلط خود ایران را واقعاً به سوی ورشکستگی اقتصادی سوق می‌داد.

بنابراین علی امینی در آن سال‌ها دیگر وجهه قبل از نخست‌وزیری را نداشت. او طی چهارده ماه نخست‌وزیری همه تصوراتی را که مردم و مطبوعات نسبت به او داشتند باطل ساخته بود. هر بار که شایعه نخست‌وزیری علی امینی شنیده می‌شد مردم به یاد «ورشکستگی» می‌افتادند. امینی از فضای باز سیاسی که در حکومت آموزگار به وجود آمده بود به این اتهامات پاسخ گفت (بهزادی، ۱۳۷۵: ۱ / ۹۹؛ طلوعی، ۱۳۷۶: ۱ / ۴۳۷).

با وجود این کشمکش‌ها که بین شاه و امینی وجود داشت، در شهریور ۱۳۵۶، امینی کاندیدای نخست‌وزیری بود. شاه به علم گفته بود که «علی امینی صورت اسامی وزرایش را بدهد که مطالعه کند. سپس افزود چنانچه امینی نخست‌وزیر بشود کارها را سروسامان می‌دهد. علم به

عرض اعلیحضرت رسانده بود که تورم زیاد است اجازه بفرمائید علی امینی سرکار بیاید» (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۲۰/۵۶۵۵۷ ه ۲۱). تا آنجا که در این زمان، مخالفین دوباره انتخاب امینی را برای دومین بار به نخست‌وزیری ایران منتشر کرده بودند و افزون بر آن گفته‌اند که مدتی قبل آموزگار نخست‌وزیر ایران استعفای خود را نوشته است اما مورد موافقت قرار نگرفت (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۲۰/۱۵۹۶۹ ه ۱۱).

این وضعیت ادامه داشت تا زمانی که محمدرضا شاه، با اوج گرفتن حرکت‌های انقلابی در ایران در سال ۱۳۵۷ دست به دامان سیاستمداران قدیمی از جمله امینی شد. در این زمان او یکی از مشاوران شاه بود. شاه به این امید که او هنوز هم با آمریکایی‌ها در ارتباط است، می‌خواست به‌وسیله او دوباره اعتماد آمریکایی‌ها را به دست آورد. از شهریور ۱۳۵۷ تا آذر ماه همین سال امینی با شاه در ارتباط بود و در تلاش بود تا دوباره نخست‌وزیر شود و بعد از استعفای آموزگار کاندیدای مقام نخست‌وزیری بود، ولی شاه شریف‌امامی را به او ترجیح داد زیرا انگلیسی‌ها را خطر جدی برای خود می‌دانست و تصور می‌کرد که با انتصاب رئیس فراماسون‌های ایران به نخست‌وزیری می‌تواند اعتماد انگلیسی‌ها را به طرف خود جلب کند (طلوعی، ۱۳۷۶: ۴۳۸/۱).

امینی در سال ۵۷-۱۳۵۶ شاه را به پیامدهای جدی شرایطی که هیئت‌حاکمه برای کشور به وجود آورده بود، متوجه کرد و به او هشدار داد که کارهای هیئت‌حاکمه ممکن است مسائل و مشکلاتی ایجاد کند. شاه اظهارات امینی را به سخره گرفت اما از طرفی این بار شاه حاضر شد سلطنت را به امینی بسپارد. نخست‌وزیری را به امینی بسپارد. در پاییز ۱۳۵۷ که بحران سیاسی به اوج خود نزدیک می‌شد، امینی رسماً مورد بررسی قرار گرفت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۲۲/۱).

در تاریخ ۱۸ مهر ۵۷ امینی در یک صحبت خصوصی گفته بود که هویدا بیان کرده در شرایط فعلی بهترین شخص برای نخست‌وزیری امینی می‌باشد. اما امینی بیان نموده در آن موقع به من فحاشی می‌کردند در صورتی که حالا مرا معرفی می‌کنند. اما معلوم بود امینی خوشحال به نظر می‌رسید و درصدد تعیین وزیرانی جهت تشکیل کابینه احتمالی می‌باشد (اسناد ساواک، شماره سند: ۲۰/۸۰۷۰۲ ه ۲۵).

در ماه‌های بعد نیز که شرایط بسیار بدتر شده بود. «امینی می‌گوید، اعلیحضرت اظهار داشت که نخست‌وزیری را قبول کن من گفتم شاید نتوانم کاری را انجام دهم بهتر است که مشاور شما باشم. بعد معظم‌له در امر نخست‌وزیری من پافشاری می‌کردند. سپس اظهار داشتیم اگر وضع مملکت سروسامان بدهم به فکر خودم نیستم و اگر آبرویم هم برود در فکر این هستم که مملکت آرام شود. در این زمان حتی در بین مردم شایعه شده بود که آقای امینی به زودی مأمور تشکیل کابینه خواهد شد و بعضی از وزرای خود را نیز تعیین نموده است» (مرکز اسناد تاریخی، سند شماره: ۵۵۴۵۲/۲۰ ه ۱۲) و حتی به وی مسئولیت نخست‌وزیری داده شد، اما وی نپذیرفت (عاقلی، ۱۳۸۰: ۲۲۲/۱). زیرا امینی عاقل‌تر از آن بود که پایان راه را نبیند و لذا از پذیرش این منصب خودداری کرد و فقط تجربیات خود را در اختیار حکومت قرار می‌داد (فردوست، ۱۳۸۶: ۳۲۷/۲).

وی در اواخر مهرماه ۱۳۵۷، متوجه این واقعیت شد که دیگر امیدی به نجات رژیم باقی نمانده و ضمن ملاقات‌ها و مشورت‌های روزانه با شاه، با جناح مخالف رژیم هم تماس برقرار کرد. توصیه‌های او به شاه از این تاریخ به بعد در حقیقت در جهت تسریع روند سقوط رژیم بود (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/۴۳۸). «البته به نقل از شاه گفته می‌شود که امینی فقط یک پیشنهاد مهم به شاه داده بود که از تهران خارج شود و اداره امور کشور را به شورای سلطنتی واگذار کند و یک دولت ملی تعیین شود که خود دکتر امینی ریاست آن را برعهده می‌گرفت. اما شاه در مقابل هرگونه پیشنهاد و راه‌حلی مقاومت می‌کرد» (طلوعی، ۱۳۷۹: ۱۳۹-۱۳۲).

امینی در اوایل بهمن ماه ۱۳۵۷ که دیگر سقوط رژیم قطعی شده بود او هم مانند صدها تن از وزیران و نخست‌وزیران پیشین از ایران خارج شد و بعد از پیروزی انقلاب نیز ابتدا درصدد ایجاد نوعی ارتباط با رهبران جدید ایران برآمد، ولی در این کار موفق نشد. بعد از ماجرای گروگان‌گیری، که آمریکایی‌ها درصدد مبارزه با جمهوری اسلامی برآمدند امینی دوباره با آمریکایی‌ها تماس برقرار کرد و «جبهه نجات ایران» را با حمایت آمریکا تأسیس کرد، ولی فعالیت‌های این سازمان پس از مدتی تعطیل شد (طلوعی، ۱۳۷۶: ۱/۴۳۹).

دلایل ترس محمدرضا پهلوی از علی امینی

نتیجه ارتباط هر یک از سیاستمداران با بیگانگان در دوره پهلوی دوم، برخورد تند سیاسی شاه با این شخصیت‌ها بود که موجب گسترش بدبینی، تردید، بدگمانی نسبت به بیگانگان و سوءظن به کسانی که در برابرش شخصیتی نشان می‌دادند، بود. بر طبق اسناد، مدارک و گزارش‌های مطبوعاتی، امینی از جمله سیاستمدارانی بود که به دلیل فشار زیاد آمریکا برای نخست‌وزیری انتخاب شد (آموزگار، ۱۳۷۶: ۴۹۱-۴۹۰) و آمریکایی‌ها حمایت بی‌چون‌وچرای خود را از امینی نشان دادند و برای هرگونه همکاری با دولتش اعلام آمادگی کردند. شاه از فشار زیاد، در برابر خواسته آمریکایی‌ها تسلیم شد و در واقع در مقابل کار انجام‌شده واقع شد (آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲). زیرا می‌دانست در صورتی که با خواست‌های دولت آمریکا موافقت نکند با سقوط سلطنت و ریاست جمهوری امینی مواجه خواهد شد (فردوست، ۱۳۸۷: ۳۰۶/۲) و همیشه دچار این نگرانی بود که مبدا ایالات متحده به هر دلیلی او را رها کند (شوکران، ۱۳۸۱: ۱۰۱).

محمدرضا پهلوی تا روزهای آخر حکومت امینی به چشم کاندیدای ریاست جمهوری نگاه می‌کرد که قصد دارد حکومت او را واژگون سازد و حاضر نشد وجود وی را بپذیرد و همین امر همیشه مانع تعامل وی با امینی بود (آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

بر این اساس، شاه از این نخست‌وزیران که با حمایت بیگانگان بر سرکار می‌آیند بیم و وحشت داشت. امینی، آن صدراعظم جنجالی بود که شاه واقعاً از او بیم داشت و از افزایش نفوذ او می‌ترسید. از طرفی دیگر نخست‌وزیری را می‌دید که از طرف مادر از خاندان قاجار است که پدرش آن را برانداخته بود و خودش نیز اهل بلندپروازی است (نجمی، ۱۳۷۰: ۱۵۶۵ / ۲). بدیهی است که شاه از این دید هم به وی به چشم یک رقیب می‌نگریست و طبیعی بود که از وجود او بترسد (آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۸۲).

نتیجه‌گیری

از مطالعه اسناد، خاطرات و منابع کتابخانه‌ای می‌توان به این نتیجه رسید که مخالفت محمدرضا پهلوی با علی امینی برای جلوگیری از قدرت زیاد او بود، زیرا وجود امینی را تهدیدی برای سلطنت خود می‌دید. لذا این دو تن کشمکش‌هایی داشتند و با کمک بیگانگان به اصطلاح زیر پای هم را خالی می‌کردند. علی امینی با حمایت آمریکا به قدرت رسیده بود و از نفوذ و قدرت خود برای پیشبرد اهداف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای پیشرفت کشور بهره برد. درواقع وی با اقتدار وارد عرصه سیاسی شد و از طریق آمریکا اصلاحات ارضی که به وی سپرده شد، پیش برد. از سوی دیگر، این کشور به دلیل شناختی که از افکار و اندیشه‌های امینی داشت او را به شاه تحمیل کرد بود. به همین دلیل، شاه حاضر نبود که امینی قدرت کامل را به دست بگیرد. اما امینی از کسانی بود که در جهت اصلاحات ارضی و تدوین اصول اصلاحات ارضی نقش مؤثری ایفا کرد و در دوره فعالیت‌های سیاسی خود کارهای مفیدی انجام داد و درواقع عرصه او به دلیل اصلاحات ارضی متفاوت بود. منتها به سبب کارشکنی‌های محمدرضا پهلوی، آمریکایی‌ها به راحتی او را کنار گذاشتند، زیرا شاه بیشتر در تلاش بود تا نخست‌وزیری را انتخاب کند که در راستای اهداف او باشد. ولی علاوه بر حمایت‌های آمریکا از امینی، قاجاری بودن وی از مسائل دیگر بود که محمدرضا شاه، از وجود او برای حکومت خود ترس داشت و او را متهم می‌کرد که خیال بازگرداندن حکومت قاجار را دارد. پس از این اتفاقات، شاه دیگر او را به‌عنوان نخست‌وزیر انتخاب نکرد و در سیاست نقش کم‌رنگ‌تری داشت. هرچند در سال‌های آخر حکومت پهلوی، به امینی پیشنهاد وزارت داده شد ولی او باهوش‌تر از آن بود که نخست‌وزیری حکومتی را که در حال فروپاشی است، بپذیرد. در مجموع، باید یکی از اشتباهات محمدرضا پهلوی را همین کنار گذاشتن علی امینی دانست.

کتابنامه

الف) اسناد

تحلیل کشمکش‌ها و تضادهای سیاسی محمدرضا پهلوی و علی امینی در دوران نخست‌وزیری امینی..... ۲۳۳

مرکز بررسی اسناد تاریخی، اسناد ساواک، ش سند: ۱۱۵۰، ۱۵۵۹، ۶۰۸۰، ۶۱۱۸، ۷۲۹۱، ۵۶۵۵۷
۲۰/ ۲۱، ۲۰/ ۱۵۹۶۹، ۱۱، ۲۰/ ۵۵۴۵۲، ۱۲، ۲۰/ ۸۰۷۰۲، ۲۵
علی امینی به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت
اطلاعات، ۱۳۷۹.

ب) کتاب

آبراهامیان، پروانه، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران:
انتشارات نی، ۱۳۸۴.
آموزگار، جهانگیر، فراز و فرود دودمان پهلوی، ترجمه اردشیر لطفعلیان، تهران: انتشارات مرکز
ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶.
آبادیان، حسین، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و
پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.
امینی، ایرج، بر بال بحران (زندگی سیاسی علی امینی)، تهران: انتشارات ماهی، ۱۳۸۸.
ایوانف م.س، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، تهران: انتشارات
طوفان، ۱۳۵۶.
بهزادی، علی، شبه‌خاطرات، ج ۱، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۵.
بهزادی، علی، شبه‌خاطرات، ج ۳، تهران: انتشارات زرین، ۱۳۷۸.
ذوقی، ایرج، مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران، تهران: انتشارات دانش‌پرور، ۱۳۹۳.
رجائی، محمدمهدی، دکتر علی امینی نخست‌وزیر ایران، تهران: دانشگاه بهشتی، ۱۳۷۶.
شوکران، ویلیام، آخرین سفر شاه، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر پیکان، ۱۳۸۱.
طلوعی، محمود، بازیگران عصر پهلوی، ج ۱، تهران: علم، ۱۳۷۶.
طلوعی، محمود، پدر و پسر، ناگفته‌هایی از زندگی و روزگار پهلوی‌ها، تهران: علم، ۱۳۷۲.

۲۳۴ نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، بهار و تابستان ۱۴۰۲

طلوعی، محمود، صد روز آخر (۱۳ آبان - ۲۲ بهمن ۱۳۵۷)، تهران: علم، ۱۳۷۹.

عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران، تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۹۷.

عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، ج ۱، تهران: نشر گفتار و نشر علم، ۱۳۸۰.

فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ویراسته عبدالله شهبازی، ج ۲، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۶.

کدی، نیکی. آر، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: انتشارات قلم، ۱۳۶۹.
کاتوزیان، محمدعلی، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: انتشارات مرکز، ۱۳۷۴.

لاجوردی، حبیب، خاطرات علی امینی، تهران: انتشارات صفحه سفید، ۱۳۸۳.

میلانی، محسن، شکل‌گیری انقلاب اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: انتشارات گام نو، ۱۳۸۸.

مدنی، جلال‌الدین، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۱، تهران: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.

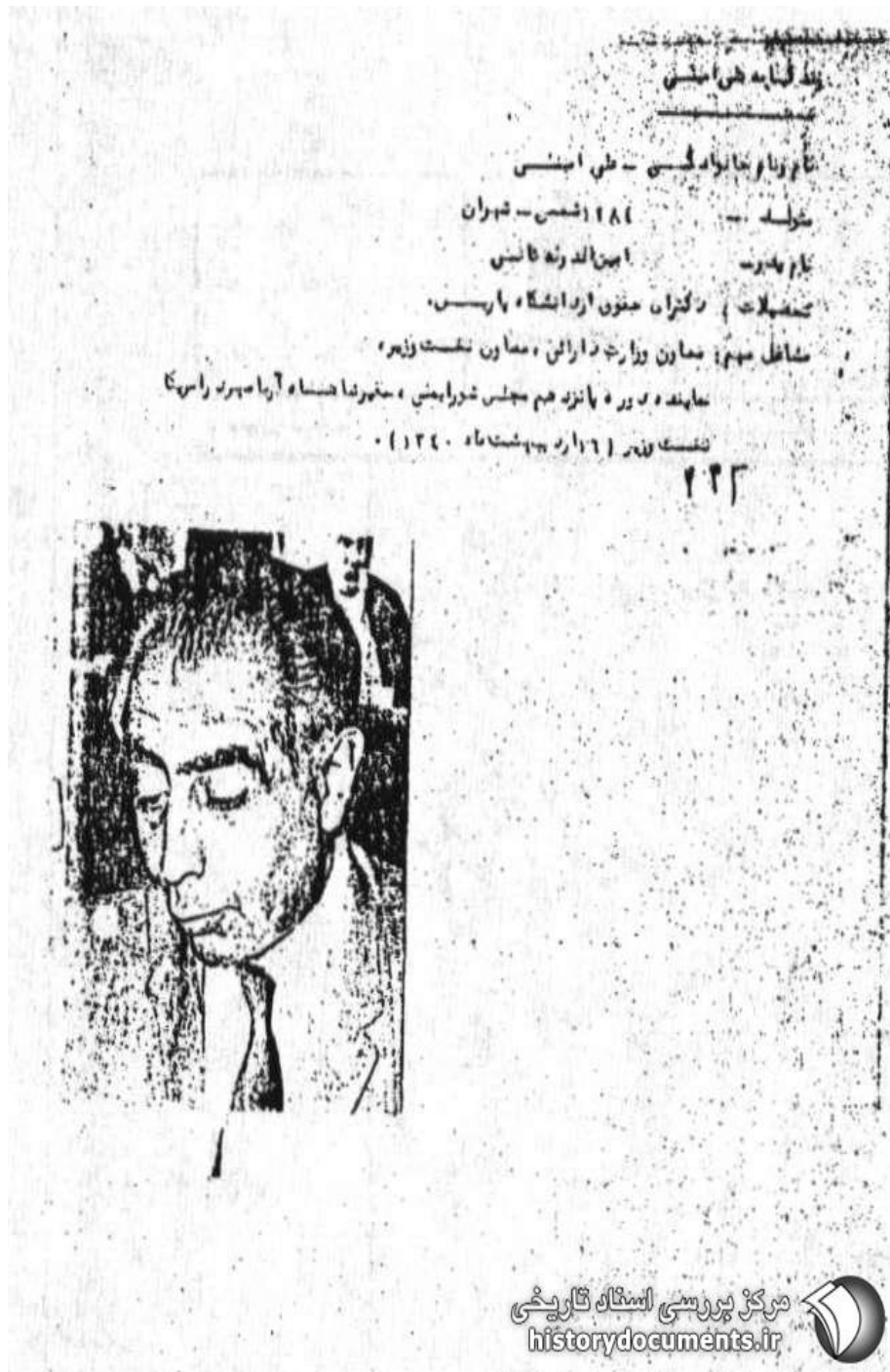
محمدی، منوچهر، مروری بر سیاست خارجی ایران دوران پهلوی یا تصمیم‌گیری در نظام سلطه، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۷.

نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، تهران: انتشارات خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۶.

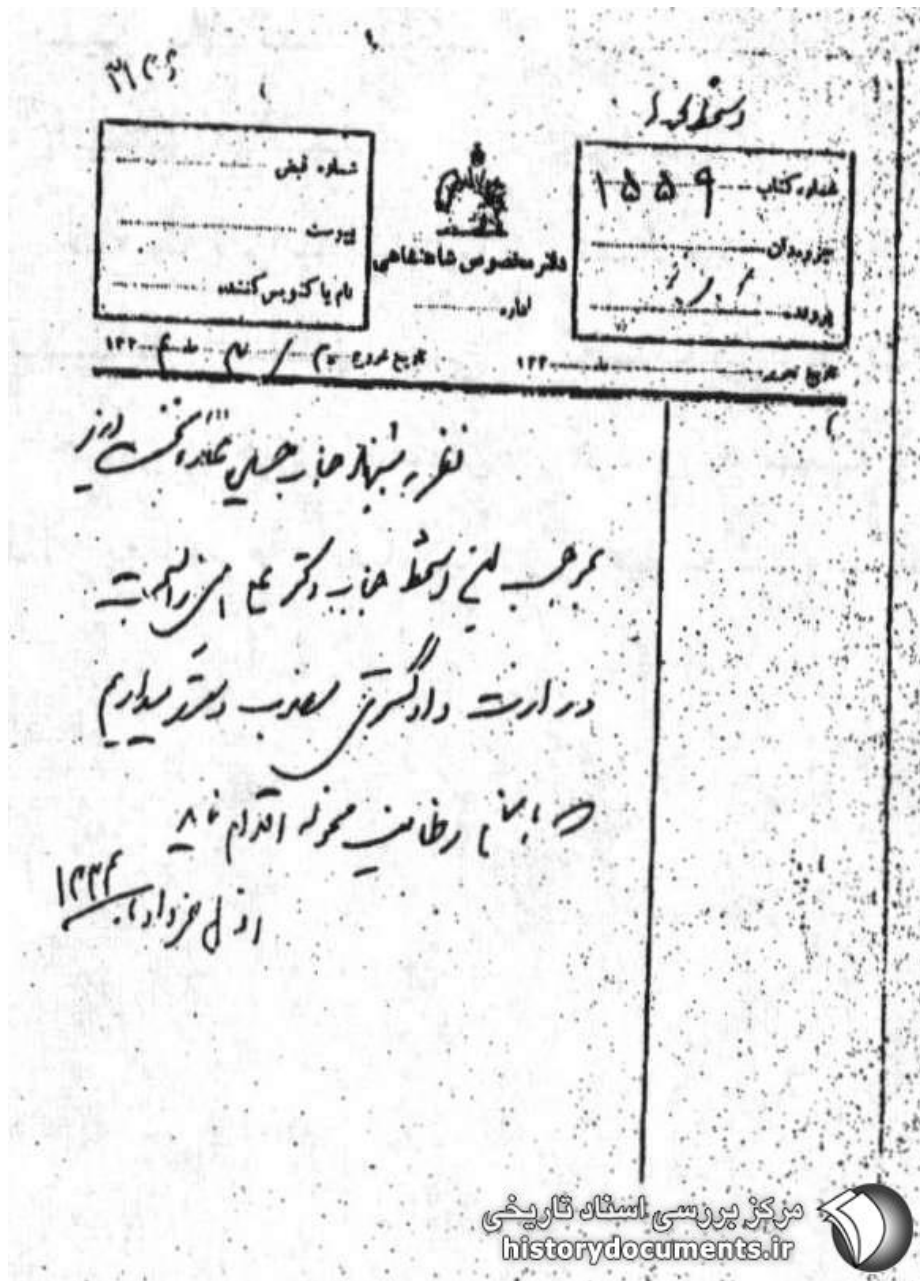
نجاتی، غلامرضا، مصدق؛ سال‌های مبارزه و مقاومت، ج ۲، انتشارات رسا، ۱۳۷۸.

نجمی، ناصر، دولت‌های ایران از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ تا آذر ۱۳۵۸، از سید ضیاء تا بازگان، ج ۲، تهران: فراین، ۱۳۷۰.

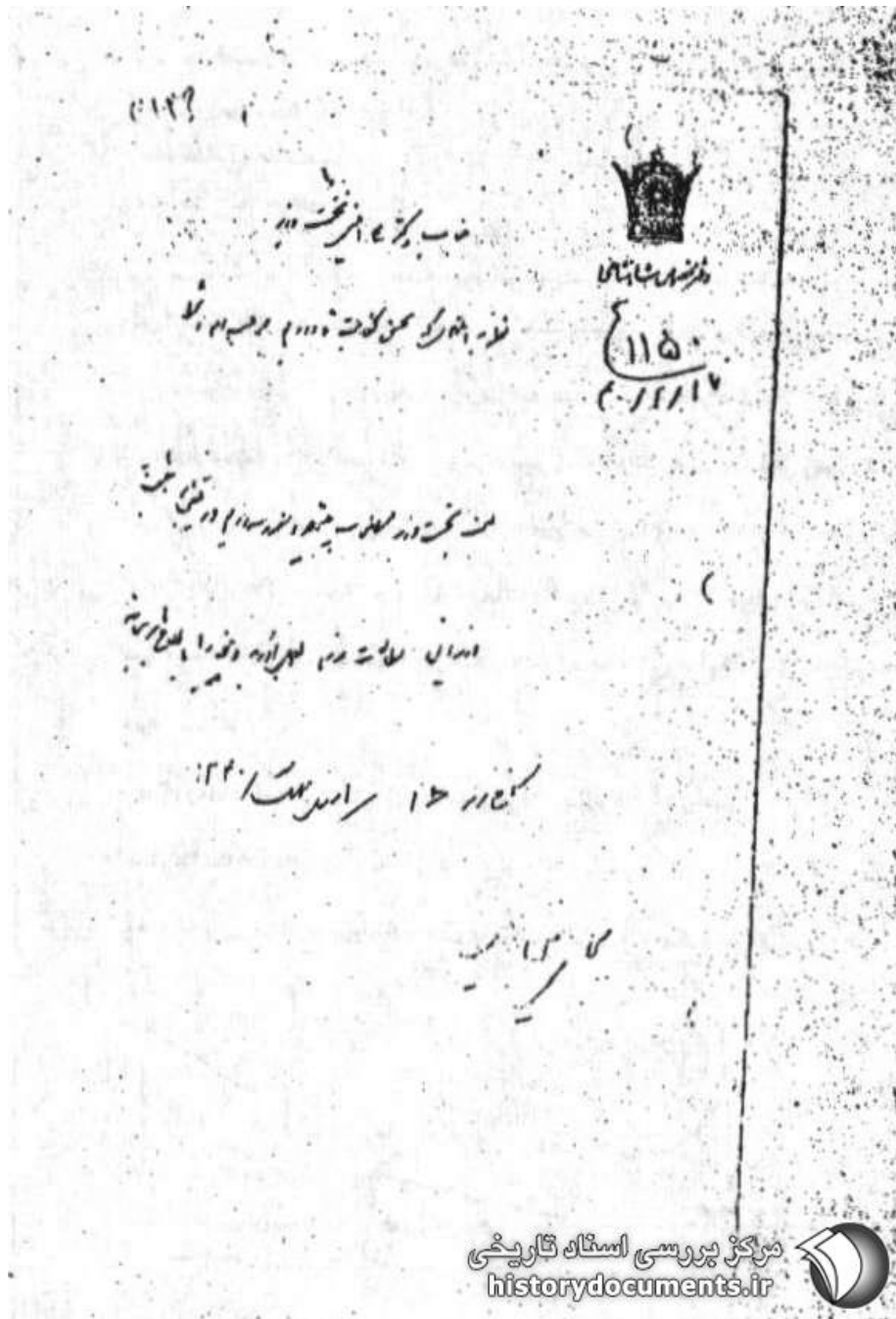
هراتی، محمدجواد، روابط ایران و آمریکا در دوران نخست‌وزیری علی امینی، تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۸۲.



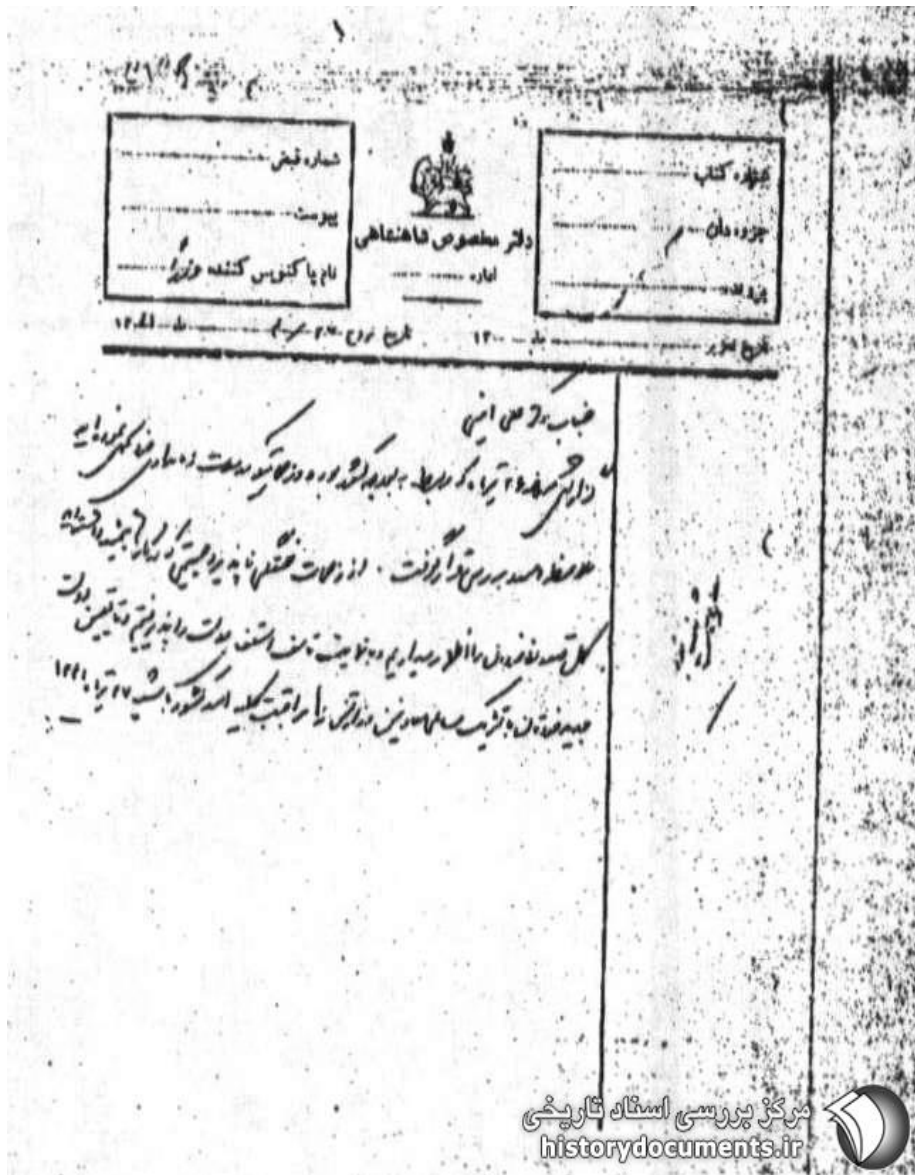
سند پیوستی شماره ۱: مشخصات علی امینی



سند پیوستی شماره ۲: حکم وزارت دادگستری علی امینی



سند پیوستی شماره ۳: حکم نخست‌وزیری علی امینی



سند پیوستی شماره ۴: استعفای دکتر امینی از نخست‌وزیری

گزارش اطلاعات داخلی

موضوع: اطلاعیه جبهه ملی در مورد سقوط دولت دکتر امینی	شماره: ۶۱۵۸/م-۵
محل: تهران	تاریخ حادیه:
حلقه پستنامه:	تاریخ وصول خبر: ۱۳۰۷/۵/۴۱
منبع خبر: سرویه	تاریخ گزارش: ۱۳۰۷/۵/۴۱
تولیم: ۱/۳	

(۱)

اطلاعیه جبهه ملی مبنی بر استعفای دکتر امینی در تهران که در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد ۱۳۰۷ در گرامش منتشر شد. ۲۱ خرداد ۱۳۰۷
جبهه ملی استند و گزارشی منتشر کرد که توسط جبهه ملی در تهران و سایر مراکز استان‌ها و دانشگاه‌ها و کانون‌ها پخش شد و استعفای

۲۸۴۵

تعداد نسخه: ۶
گیرندگان: اداره آل سوم

مرکز بررسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir

۵/۱۲۸۳۶

گزارش اطلاعات داخلی

شماره تاریخ حادنه تاریخ وصول خبر: ۱۳۷۸/۱۱/۲۰ تاریخ گزارش: ۱۳۷۸/۱۱/۲۰	موضوع: اظهارات دکتر امینی محل: تهران عطف بشماره منبع خبر: ماهنامه تقریب: ۲ - ۳
---	--

محرمانه

طبق اطلاع واحد دکتر امینی به سندس جمال گنجی وزیر راه کابینه خود که در منزل به ملاقات مشاوران رفته اظهار داشته در استان و کلاً باید بر خود جمع آوری کرده و آنها و ده و دلگرمی بدو کنگران نباشند و سرکار خواهد آمد و دکتر امینی علاوه کرده فعلاً به علت کمالت احتیاج چند تن استراحت و معالجه دارد و پس از بهبودی در فعالیتهای سیاسی و همچنین در فعالیتهای انتخاباتی شرکت خواهد کرد و باید در این زمینه برای اینکار تشکیل و آماده کنند.

۱۳۷۸/۱۱/۲۰
محرمانه
۱۳۷۸/۱۱/۲۰
۱۳۷۸/۱۱/۲۰
۱۳۷۸/۱۱/۲۰

تعداد نسخه:

گیرندگان: ساواک تهران - جهت استحضار
مرکز پروسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir

۱۳۷۸-۳۱

سند پیوستی شماره ۶: اظهارات دکتر امینی برای بازگشت به فعالیت‌های سیاسی

گزارش اطلاعات داخلی

شماره: ۷۲۹۱/ص-خند	موضوع: اظهارات علی مینوی گرامند راه آهن
تاریخ حادثه: اخبرا	محل: تهران
تاریخ وصول خبر: ۱۳/۱/۴۲	عطف بشماره:
تاریخ گزارش: ۱۳/۱/۴۲	منبع خبر: ما روزنامه
	تاریخ: ۳/۳

علی مینوی گفتگویی با روزنامه‌های تهران راه آهن که جزو کارکنان راه آهن است و در این باره اظهارات خود را در خصوص صحبت گفت که آمریکا نسبت به انگلیسها با بلند کردن کتف علی امینی را مجدداً نخست‌وزیر کنند چون شخص مقتدر ریاست و سیاست در بازار نیز طرفدار ارد ارد وی از نزدیک شاهد از او حساب میرود و مترسد که آدم کردن گفتن مثل امینی نخست‌وزیر نبودند

۲۱۲۲

زیای محرمانه

تعداد نسخه: ۷
گیرندگان: ۱- اداره کل موز (۲ نسخه) - ۲- ساوا که بخش جهت اطلاع

۱۱۱۸-۲۶

مرکز بررسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir

سند پیوستی شماره ۷: اظهارات علی مینوی در رابطه با نخست‌وزیری مجدد علی امینی

اسناد خیریه محمد باقر خاکی

دوره هجری: ۱۲۸۰
شماره: ۱۱
تاریخ: ۱۳۰۲/۱/۱۶

۱- شماره گواهی: ۳۱۲
۲- تاریخ گواهی: ۱۳۰۲/۱/۱۶
۳- شماره گواهی: ۵۵۷
۴- تاریخ گواهی: ۱۳۰۲/۱/۱۶
۵- پیوست
۶- کپی تعداد: ۲۶۱

۷- منبع: ۷۶۶۵
۸- منشأ: علی نزاری
۹- تاریخ وقوع: ۳۱/۱/۸
۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۳۱/۱/۸
۱۱- تاریخ رسیدن خبر به هر ملاحظ
۱۲- ملاحظات مطالعی

موضوع: آقای د. شترعلی امینی

آقای علی نزاری ضمن مذاکره خصوصی اظهار داشته است که چند نفر اندک پدای نخست وزیری بوده اند ضابطه آقای د. شترعلی امینی .

شاهنشاه به آقای علم وزیر سابق دربار شاهنشاهی فرموده بودند که علی امینی صورت اسامی وزراء را برآورد و در مطالعه فرمانده سپهر افروید چنانچه آقای د. شتر امینی نخست وزیر شود تا زمان اسرار و اسرار صید دهد .

آقای علم هم به مهران اطمینان رسانده بود که کتیرم زیاد است اجازه بفرمائید - آقای علی امینی سرانجام پیدا شد .

نظریه سه شنبه . - سه شنبه در اظهارات خود صادق بوده و مطالب غیرتوی را ننویسند

گزارش نموده است. امر

نظریه چهارشنبه . - نظریه سه شنبه مورد تأیید است.

دوره هجری: ۱۲۸۰
شماره: ۱۱
تاریخ: ۱۳۰۲/۱/۱۶

۱- شماره گواهی: ۳۱۲
۲- تاریخ گواهی: ۱۳۰۲/۱/۱۶
۳- شماره گواهی: ۵۵۷
۴- تاریخ گواهی: ۱۳۰۲/۱/۱۶
۵- پیوست
۶- کپی تعداد: ۲۶۱

۷- منبع: ۷۶۶۵
۸- منشأ: علی نزاری
۹- تاریخ وقوع: ۳۱/۱/۸
۱۰- تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۳۱/۱/۸
۱۱- تاریخ رسیدن خبر به هر ملاحظ
۱۲- ملاحظات مطالعی

ردیف	موضوع	صفحه
۱-۹	شماره گزارش از تاریخ ۲۴/۲/۱۳۰۶	۷-۸
۲-۱۰	تاریخ وقوع اخبار	۸-۱۰
۳-۱۱	شماره گزارش از تاریخ ۱۱/۱۲/۱۳۰۶	۱۰-۱۱
۴-۱۲	تاریخ رسیدن خبر بر مبر عملیات	۱۱-۱۲
۵	پیوست	محل ۳۱/۱/۱۴
۶	گرددگان خبر	۲-۱۱
	ملاحظات حفاظتی	۱۲

موضوع شایعه تخریب نخست‌وزیر ملک
 مخالفین مجرد از انتخاب امینی را برای دوشمن با ربه خدمت وزیر
 ایران شایع کرده و دشمن آن گفته‌اند که چندی قهز، حتی آقای
 آموزگار نخست‌وزیر را برار، امته، فای خود را نوشته بود که مورد
 موافقت قرار نگرفته است.

نسخه شایعه - مطالب بالا مدار شده است.
 نگارنده شایعه - خبر می‌رود ایندونه شایعات تا انتخاب مخالفین
 می‌باشد که هر چند وقت یکبار با درت به نشره نسی و بعد از دانش
 می‌باشد.
 نظر به شایعه که در این شایعه تا باید می‌رود. مارف
 نگارنده که هر شایعه تا باید مورد تایید است.
 طبق بندی حفاظتی
 ۲۵۹-۵۲
 ۴۲۴۷

درجه فوریت	موضوع	صفحه
۱	۱ - تاریخ گزارش	۴۱۲
۲	۲ - شماره گزارش	۴۵۴
۳	۳ - تاریخ گزارش	۲۵۴, ۸۰۷
۴	۴ - پیوست	۵۷
۵	۵ - گردن‌گان خبر	۲۸۵
۶	۶ - ملاحظات حفاظتی	۲۸۵
۷	۷ - منابع	۲۸۲
۸	۸ - منابع مستندات منبع	
۹	۹ - تاریخ وقوع	۵۷/۷/۱۰
۱۰	۱۰ - تاریخ رسیدن خبر به منبع	۵۰
۱۱	۱۱ - تاریخ رسیدن خبر بر مبنای ملاحظات	
۱۲	۱۲ - ملاحظات حفاظتی	۵۷/۷/۱۹

موضوع: **اظهارات دکتر علی امینی** طک ۵۷/۷/۱۰ - ۵۷/۷/۱۹ - ۵۷/۷/۱۰

روز ۵۷/۷/۱۱ دکتر علی امینی در یک صحبت خصوصی اظهار داشتند آقای هودا لغت وزیر ملی اخبار با یکی از مدیران خارجی در تهران صحبت کرده و ضمن تشریح اوضاع ایران گفتند: در شرایط فعلی بهترین شخص برای لغت وزیر دکتر امینی می‌باشد. دکتر علی امینی اشاره نموده اگر خاطرداشته باشی در آنموقع بمن فحاشی می‌کردند در صورتیکه حالا مرا معرفی می‌کنند.

توضیح: بنا بر این جنبه، بطوریکه معلوم بود دکتر امینی خوشحال بنظر می‌رسید و زخم در زمین و آبروی جهت تشکیل کابینه احتمالی می‌باشد. و اینطور که از اظهاراتش معلوم بود در نظر دارد ۸ وزیر در کابینه اش از جنبه ملی باشد.

نظریه چهارم جنبه ندارد. ه. س.

دکتر علی امینی

۵۷/۷/۱۰

۳۸۲۴

